

فساد و بار مقرراتی بخش عمومی

حسین مرزبان*

استادیار بخش اقتصاد دانشگاه شیراز dr.marzban@gmail.com

حمید رضا حسین پور

کارشناس ارشد رشته اقتصاد دانشگاه شیراز hosseinpoorie1362@gmail.com

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۰/۱۶ تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۲/۱

چکیده

در بیش تر کشورهای در حال توسعه، بخش عمومی نقش مهمی در عملکرد بازار ایفا می کند. به طور معمول در این کشورها فعالیت های اقتصادی، رشد و توسعه، بدون دخالت دولت مختل می شود، اما گسترش بی حد و حصر دولت نیز مشکل آفرین است. دولت در تولید کالاهای عمومی و تنظیمات اقتصاد، دارای اختیار تصمیم گیری است. بوروکراسی فاسد با تکیه بر همین اختیار ایجاد می شود. کارکنان فاسد با دست کاری در مقررات و عرضه نامطلوب کالاهای عمومی، به استخراج رانت می پردازند. در سازمان های دولتی دو نوع فساد می تواند بروز کند: فساد نوع اول، ناشی از عرضه کم تر کالاهای عمومی، آن هم به قیمت بالاتر است. فساد نوع دوم، ناشی از سرپیچی از قوانین و مقررات دست و پاگیر توسط مردم است که ارتشا را می پروراند. در نهایت بار کل بخش عمومی در محیطی با بوروکراسی فاسد، بالاتر و سنگین تر است. در این مقاله ابتدا با ارائه ی یک مدل نظری، فرایند و چگونگی شکل گیری فساد را نشان داده شده و سپس با ارائه ی شواهد تجربی، به بررسی این پدیده در کشورهای منتخب پرداخته ملاحظه شده است همبستگی قوی معکوسی میان سطح فساد و میزان حکمرانی خوب یا کیفیت مؤسسات دولتی وجود دارد.

طبقه بندی JEL : K23, H23, H32, H41, O17, O38, D73

کلید واژه: فساد، بخش عمومی، بار مقرراتی، شاخص راه اندازی کسب و کار.

۱- مقدمه

برخی محققان بر این عقیده‌اند که فساد می‌تواند با کاهش موانع و تشریفات اداری زاید، نقش مثبتی در ایجاد رشد اقتصادی ایفا کند. فساد و کاغذبازی توسط ساختارهای ناکارا ایجاد می‌شود و بنابراین منطقی است که آن‌ها را به خصوص در نهادهای بخش عمومی به هم وابسته دانست. بخش عمومی ناکارا می‌تواند به اندازه‌ی بهینه‌ی بزرگ‌تری از دولت منجر شود.^۱ افزایش اندازه‌ی دولت، منتهی به افزایش بار بخش عمومی بر کل جامعه می‌شود. در این مقاله، کاغذ بازی (موانع و تشریفات اداری) به مجموعه‌ای از فرایندهای اجباری اطلاق می‌شود، که کارگزاران خصوصی به منظور استفاده از کالاها و خدمات عمومی باید طی کنند تا به طور قانونی عمل کرده باشند. در حقیقت، کاغذبازی یا موانع اداری به مقرراتی اطلاق می‌شود که توسط دولت تحمیل می‌شوند.

دولت‌ها در تأمین کالاها و خدمات عمومی، یک انحصارگر به حساب می‌آیند، که هدف شان حداکثر کردن سود نیست، بنابراین یک دولت خیرخواه باید کالاهای عمومی را به قیمت هزینه‌ی نهایی آن‌ها ارائه کند. در فرایند ارائه‌ی کالاهای عمومی است که کارکنان فاسد از سمت و مقام خود برای ایجاد و کسب رانت‌ها استفاده می‌کنند. در کل، بوروکراسی^۲ این کار را با سوء استفاده از قدرت انحصاری و بازی کردن با مقررات و موانع اداری انجام می‌دهد، بنابراین مقررات فی نفسه ملازمی با فساد ندارند، اما در یک بوروکراسی فاسد از مقررات استفاده می‌شود تا بتوانند رانت‌ها را از کارگزاران خصوصی استخراج کنند.^۳

فساد ممکن است به دو صورت پیشین^۴ یا پسین^۵ اتفاق بیفتد. در فساد پیشین یا بدون دزدی، بوروکراسی قبل از تعامل با کارگزار خصوصی، قیمت کالاهای عمومی را می‌افزایش می‌دهد. از آن جایی که بوروکراسی دارای قدرت انحصاری است، می‌تواند قیمت‌های انحصاری را برای تأمین کالاهای عمومی مطالبه کند. روشن است که نهادها و سازمان‌های با کیفیت ضعیف، فرصت‌هایی را برای مأموران عمومی ایجاد می‌کنند تا

1- Ng (2000).

۲- بوروکراسی به سیستمی اطلاق می‌شود که بیش‌تر تصمیمات توسط مقامات دولتی اتخاذ می‌شود تا نمایندگان منتخب مردم.

3- Dzhumashev (2008).

4- ex ante.

5- ex post.

درگیر چنین رفتارهای مجرمانه‌ای شوند. هرگاه هزینه‌ی دریافت خدمات بالا باشد، درآمد کارگزار خصوصی کاهش می‌یابد، به بیان دیگر، فساد بدون دزدی، هزینه‌ی بار بخش عمومی را افزایش می‌دهد.

فساد پسین یا با دزدی، زمانی اتفاق می‌افتد که کارکنان فاسد، اطلاعاتی را از کارگزاران خصوصی کسب کرده و این اطلاعات با ارزش را برای منافع شخصی مخفی نگه می‌دارند. این نوع فساد معمولاً زمانی اتفاق می‌افتد که بوروکرات فاسد، اسناد و یافته‌های کارگزاران خصوصی را بازرسی و تفتیش کرده، و متوجه می‌شود که کارگزار خصوصی طبق مقررات، به مسئولیت‌های خواسته شده به طور کامل عمل نکرده است. در مورد فساد پسین، ممکن است هم بازرس و هم تولیدکننده به قیمت ضرر رساندن به کل جامعه منتفع شوند. هر چند اگر بوروکرات مربوطه، قدرت و فرصتی برای تنظیم پارامترهای مقررات داشته باشد، این نوع فساد ممکن است هزینه‌ی بار مقرراتی افراد درگیر را کاهش دهد، ولی بار مؤثر مقرراتی بر دیگر کارگزاران تحمیل شده و به‌طور کلی فساد، وضع جامعه را بدتر می‌کند. به عنوان مثال در بعضی کشورها پلیس راهنمایی و رانندگی ممکن است فاسد باشد، به گونه‌ای که افراد بتوانند گواهینامه و جریمه‌ی تخلفات رانندگی خود را بخرند. در چنین جوامعی ممکن است تصور شود افراد باید زندگی راحت‌تری داشته باشند، اما از آن‌جا که هر یک از رانندگان ممکن است مرتکب تخلفاتی شوند، رانندگی به یک تجربه‌ی ترسناک تبدیل می‌شود، در حقیقت، هزینه‌ی بار غیرمستقیم چنین فسادی بالاتر و سنگین‌تر از هزینه‌ی بار مستقیم آن است.^۱

مدل نظری که در این مقاله ارائه می‌شود بر اساس مدلی است که توسط ژوماشو (۲۰۰۸)^۲ برای ۱۴۰ کشور تخمین زده شده است. هدف این مقاله معرفی مدل مذکور به محققان ایرانی است، که با استفاده از نمونه‌ی کوچک‌تری از کشورهای نسبتاً همگن، شامل کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی^۳ تست می‌شود. نتایج تجزیه و تحلیل نشان می‌دهد که اولاً، یک وابستگی قوی بین سطح فساد و میزان حکمرانی، که (کیفیت نهادهای عمومی را منعکس می‌کند) وجود دارد. ثانیاً وجود یک ارتباط مثبت بین سطح فساد و بار مقرراتی همراه با شواهد تجربی به اثبات می‌رسد.

1- Shleifer and Vishny (1993).

2- Dzhumashev (2008).

3- Organization for Economic Co-operation and Development (OECD).

۲- پیشینه‌ی تحقیق

اصل موضوع این مقاله در داخل مطالعات زیادی مشاهده نشده است، لذا به ارائه‌ی چند مورد از مطالعات انجام شده که با موضوع ارتباط نزدیکی تری دارند، پرداخته می‌شود.

۲-۱- مطالعات داخلی

ذاکری (۱۳۸۴)، در پایان‌نامه‌ای با عنوان "فساد اداری و تأثیر آن بر روند توسعه در ایران"، انواع فساد اداری را به عنوان یک تهدید جدی برای عدالت اجتماعی و امنیت کشور در نظر می‌گیرد. از نظر وی این‌گونه فسادها می‌تواند عواقبی جدی برای ثبات سیاسی و اقتصادی کشور داشته باشد. او به بررسی فساد در ایران پرداخته و به این نتیجه می‌رسد که فساد اداری، مشروعیت دولت قبل از انقلاب ۱۳۵۷ را تحت الشعاع قرار داده است. در سال‌های پس از انقلاب نیز در بعد سیاسی برخی از ارزش‌های دموکراتیک، نظیر اعتماد به دولت و در کل روند توسعه‌ی اقتصادی را دچار چالش کرده است.

دکتر رهبر و همکاران (۱۳۸۱)، در کتاب دوجلدی "بازشناسی عارضه‌ی فساد مالی"، ابتدا ماهیت فساد مالی، علل شکل‌گیری، گونه‌ها، پیامدهای فردی و اجتماعی آن‌ها را تشریح می‌کنند و در بخش‌های دیگر کتاب به رویکردهای سیاسی فساد مالی در ساختار سیاسی و هزینه‌هایی که حکومت برای پیش‌گیری از فساد مالی صرف می‌کند، پرداخته‌اند. «فساد مالی» و «رانت جویی» در این مجموعه با تعاریف متفاوتی آورده شده‌اند. فساد مالی با سوء استفاده از قدرت عمومی برای مقاصد یا منافع شخصی ارتباط می‌یابد، اما رانت‌جویی در مفهوم اقتصادی آن، به معنای عوایدی است که مازاد بر تمام هزینه‌های مربوط، گرفته می‌شود. هم‌چنین مؤلفان به تمایز «فساد سیاسی» از «فساد اداری» پرداخته و بیان کرده‌اند که فساد اداری در دستگاه‌های دولتی در انتهای طیف اجرایی سیاست‌ها اتفاق می‌افتد.

۲-۲- مطالعات خارجی

باردان^۱ (۱۹۹۷)، در مقاله‌ی خود "فساد و توسعه"، فساد را مسئله‌ای قدیمی می‌خواند که همیشه در اشکال گوناگون گریبان گیر جوامع بوده است. وی ضمن بررسی مفهوم فساد از جنبه‌های گوناگون، بر کاربرد بیش‌تر این اصطلاح به عنوان استفاده از پست دولتی برای به دست آوردن منافع شخصی تأکید دارد. او نظام مقرراتی را عامل اصلی فساد می‌داند و مدعی است که مقررات و تخصیص دیوان‌سالارانه‌ی منابع عمومی کمیاب، فسادآور است.

لی^۲ (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای با نام "فساد تجاری، فساد بخش عمومی و نرخ رشد"، با استفاده از داده‌های سالانه طی دوره‌ی زمانی ۱۹۸۶-۲۰۰۱ در کره‌ی جنوبی، را بررسی می‌کند.

ژوماشو^۳ (۲۰۰۸)، در مقاله‌ای با عنوان "فساد و بار مقرراتی"، با ارائه‌ی الگویی به نسبت قوی، اثر شاخص‌های حکمرانی بر شاخص فساد را در وهله‌ی اول می‌سنجد. سپس تأثیری که فساد به همراه سایر متغیرهای مؤثر بر بار مقرراتی بخش عمومی دارد، مطرح می‌کند.

مبانی نظری

در متون، دیدگاه‌های متضادی در مورد اثرات فساد بر کارایی اقتصاد وجود دارد. بر اساس یافته‌های موجود، فساد می‌تواند در محیط‌های ناکارا، انعطاف‌ناپذیر و سرشار از مقررات، مؤثر و کارا باشد. لِف^۴، معتقد است که در چنین شرایطی فساد در پیشرفت و بهبود کارایی نقشی اساسی دارد. او از فسادِ طرفداری می‌کند که به دور زدن قوانین بد کمک کرده و بنابراین کارایی اقتصادی را بهبود می‌بخشد. در این گونه تحلیل‌ها فساد منجر به تخصیص بهتر منابع می‌شود. کارکردهای فساد شبیه مزایده است که کاراترین تخصیص کالاها را می‌دهد، مجوزها و پروانه‌ها را تعیین می‌کند. با توجه به این بحث، فساد، مجوزهای تقسیمی را به کاراترین تولیدکنندگان می‌دهد و به طور هم‌زمان بار مقرراتی را می‌کاهد.

1- Pranab Bardhan (1997).

2- Jae-Hyung Lee (2006).

3- Dzhumashev (2008).

4- Leff (1964).

از سوی دیگر بوروکرات‌های فاسد اختلالاتی را در بخش عمومی و خصوصی، برای ایجاد رانت‌ها یا ابقای آن‌ها، پدید می‌آورند.^۱ مطالعات تجربی زیادی رابطه‌ی منفی بین فساد و رشد را تصدیق کرده‌اند. بارو،^۲ کیفر و نک^۳ نشان داده‌اند که وقتی دولت رانت‌جو باشد، بار عمومی کل افزایش می‌یابد. نتایج آن‌ها به طور غیرمستقیم از این ایده طرفداری می‌کند که بوروکراسی فاسد به طور مثبتی با بار مقرراتی بالاتر و سنگین‌تر همبسته است. گوری^۴ (۲۰۰۴) با الگو بندی تعامل بین بوروکراسی فاسد و کارگزاران خصوصی در می‌یابد که در محیط فاسد بار تعادلی کاغذبازی، بالاتر از حالت نبود فساد است.

۳- مفروضات مدل و ساختار الگو

اقتصادی را در نظر می‌گیریم که در آن تولیدکنندگان، خانوارها و بوروکرات‌های یکسان و شبیه یکدیگر وجود دارند. هر کارگزار خصوصی موجودی یکسان از کالاهای مصرفی x را در اختیار دارد. اگر کارگزار تصمیم به تولید بگیرد، باید نهاده‌ی عمومی را که برای تولید ضروری است به دست آورد. این شرایط، بخش عمومی را در تولید، از طریق وعده‌ها، مجوزها، طبقه‌بندی‌ها و تأمین زیرساخت‌ها و دیگر نهاده‌های عمومی، درگیر می‌کند. ترجیحات کارگزاران با یک تابع مطلوبیت به شکل زیر تعریف می‌شود:

$$(1) \quad u = u(y, e) \quad u'_y, u'_e > 0 \quad \text{تابع در هر دو متغیر فزاینده است}$$

y : درآمد، e : کیفیت محیطی که کارگزاران در آن زندگی می‌کنند،

$$h: \text{آثار جانبی}^5 \text{ ناشی از فرایند تولید را نشان می‌دهد: } e'(h) < 0, e = e(h)$$

فرض می‌شود بوروکراسی، مقرراتی درباره‌ی آثار جانبی تولید وضع و تحمیل کند. بوروکراسی فاسد می‌تواند بار مقرراتی قوانین را با دست‌کاری پارامترهای مقرراتی آن افزایش دهد. همچنین فرض می‌شود کالاهای عمومی که به عنوان نهاده‌های ضروری برای تولید خصوصی به کار گرفته می‌شوند، توسط بوروکراسی با کیفیت اندازه‌گیری شده به کمک شاخص دولت نشان داده می‌شود.

1- Kurer (1993); Mauro (1995); and etc.

2- Barro (1990).

3- Keefer and Knack (2002).

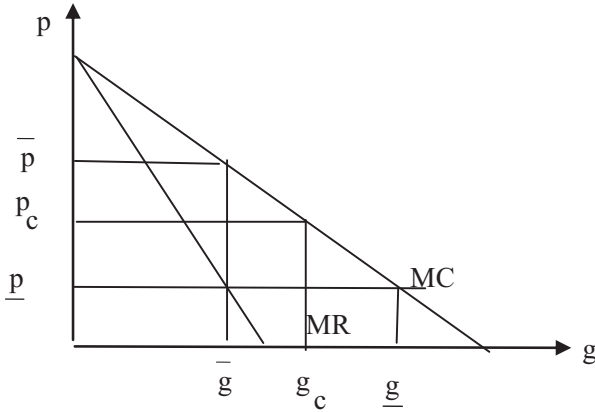
4- Guriev (2004).

5- Externalities.

$$I \in [0, 1] \rightarrow I = 1$$

بوروکراسی کاملاً خیرخواه

بوروکراسی کاملاً خیرخواه، کالای عمومی را به قیمت هزینه‌ی نهایی آن تولید می‌کند. چنان‌که کاملاً خیرخواه نباشد ($I < 1$)، کالای عمومی با اضافه قیمتی^۱ همراه می‌شود. قیمت کالای عمومی در بازه‌ی $p \in (\underline{p}, \bar{p})$ تعریف می‌شود. قیمت قانونی می‌تواند برابر با هزینه‌ی نهایی تولید ($\underline{p} = MC$) کالای عمومی و یا برابر با یک حداکثر قیمت \bar{p} باشد که مصرف‌کنندگان مجبور به پرداخت آن می‌شوند. در این حالت هر چه فساد بیش‌تر باشد، قیمت وضع شده برای کارگزاران خصوصی نیز بالاتر خواهد بود.



شکل ۱- تأمین کالای عمومی در یک محیط فاسد

به طوری که در شکل (۱)، MC : هزینه‌ی نهایی تولید کالای عمومی، m : حداکثر اضافه‌ی قیمت و $(1-I)m$: هزینه‌ی فساد است که بر کارگزاران خصوصی تحمیل می‌شود. به هر حال بوروکرات فاسد نیز قیمت \underline{P} را گزارش می‌کند، در حالی که اضافه بر قیمت \underline{P} دریافت شده ($P_c - \underline{P}$) را به جیب می‌زند. این اضافه قیمت رشوه‌ای است که توسط کارگزار خصوصی برای کسب کالای عمومی پرداخت می‌شود.

$$P = MC + (1-I)m \text{ و } I < 1 \Rightarrow P > \underline{P} \quad \text{لذا:}$$

۴-۱- تولید خصوصی

کارگزار خصوصی برای تولید کالای خود قسمتی از موجودی x را برای خرید کالاهای عمومی هزینه می‌کند. تکنولوژی تولید وی بر اساس رابطه‌ی (۲) نشان داده شده است:

$$y_a = f(g, \bar{l}, h) \quad (2)$$

که در آن g : مقدار حقیقی نهاده‌های عمومی است؛ \bar{l} : مقدار ثابت نیروی کار و h : آسیب‌ها و خطرات ایجاد شده در محیط یا به طور کلی آثار جانبی منفی تولید است.^۱ در این شکل تابعی کیفیت محیط e تابعی از این آثار جانبی تولیدی h است یا $e = e(h)$. همچنین تولید بدون به‌دست آوردن کالاهای عمومی امکان پذیر نمی‌باشد. تابع $f(g, \bar{l}, h)$ ، در g و h پیوسته و به طور یکنواخت فزاینده است یا:

$$\lim_{g, h \rightarrow 0} f'_g(\bullet), f'_h(\bullet) = \infty, \lim_{g, h \rightarrow \infty} f'_g(\bullet), f'_h(\bullet) = 0, f''_g(\bullet)f''_h(\bullet) < 0 \quad (3)$$

در رابطه‌ی فوق و در ادامه، (\bullet) معرف اجزای تابع می‌باشد. شرایط حداکثر کردن سود تولیدکنندگان برابر است با:

$$\text{Max}_{g, h} y = f(\bullet) - c_1(g) - c_2(h) \quad (4)$$

هزینه‌ی نهاده‌ی عمومی: با قیمت قانونی است.

$$c_1(g) = pg \quad (5)$$

هزینه‌ی آثار جانبی که از حد مجاز تجاوز کند:

$$c_2(h) = \psi(h - h_0) \quad (6)$$

شرط مرتبه‌ی اول با توجه به نهاده‌ی عمومی برای کارگزار خصوصی برابر است با:

$$p_c = \frac{\partial f(\bullet)}{\partial g} \quad (7)$$

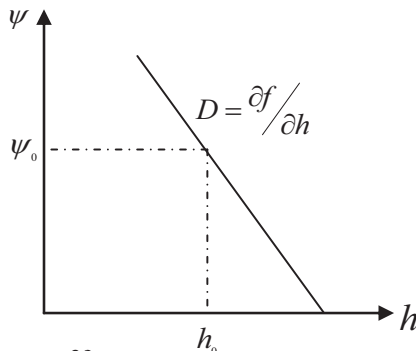
p_c : قیمت تعادلی نهاده‌ی عمومی بوروکرات انحصارگر است. مأموران رانت‌جو، قیمت‌های بالاتری برای نهاده‌ی عمومی وضع می‌کنند، یعنی $p_c > \underline{p}$. مقدار نهاده‌ی عمومی کسب شده توسط تولیدکننده‌ی g ، در قیمت \underline{p} نشان داده شده است.

1- Negative externality.

براساس معادله‌ی (۷) و ویژگی‌های تابع تولید $f_g''(\bullet) < 0, f_g'(\bullet) > 0$ ، درمی‌یابیم که $\underline{g} < g_c$ ، جایی که g_c مقدار نهاده‌ی عمومی است. از آنجایی که تابع تولید، در نهاده‌ی عمومی g ، صعودی است، شرط $f(g_c, \bullet) < f(\underline{g}, \bullet)$ برقرار می‌شود، بنابراین به شرط ثبات سایر شرایط، در یک محیط فاسد، محصول کم‌تر از حالت عدم وجود فساد است.

۴-۲- آثار جانبی تولید^۱

میزان آثار جانبی منفی ایجاد شده توسط فرایند تولید (h) می‌تواند بر اساس تکنولوژی $y_a = f(g, \bar{l}, h)$ ، توسط تولیدکننده انتخاب شود. میزان اثر جانبی h_m است که تابع $f(\bullet, h)$ را حداکثر می‌کند. این میزان اثر جانبی ممکن است برای جامعه قابل قبول نباشد. در این صورت دولت با تصویب قانون، سقفی را برای سطح مجاز اثر جانبی $h_m < h$ وضع می‌کند. تولیدکنندگان خصوصی در چنین شرایطی برای حداکثر کردن سودشان، می‌توانند میزان اثر جانبی h را با در نظر گرفتن امکان دستگیر شدن یا جریمه شدن، انتخاب کنند



شرط مرتبه‌ی اول معادله‌ی (۴) با توجه به h برای کارگزار: $\frac{\partial f}{\partial h} - \psi = 0$

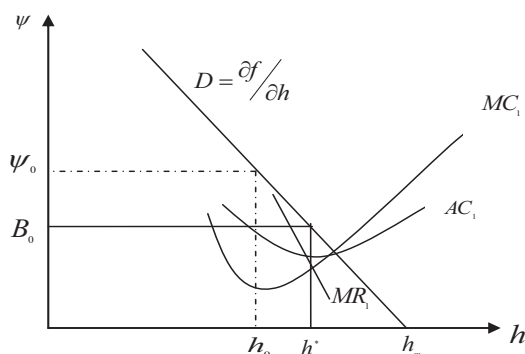
شکل ۲- تبعیت کامل در غیاب فساد

حل این معادله‌ی ارزش بهینه اثر جانبی مؤثر (h^*) را مشخص می‌کند.

قیمت آثار جانبی گسترده (ψ) به نرخ جریمه‌ی سرپیچی از قوانین (ϕ) و احتمال آگاهی یا کشف آن (δ) بستگی دارد، بنابراین می‌توان نوشت: $\psi = \delta \cdot \phi$ دولت خیرخواه δ, ϕ را طوری انتخاب می‌کند که برای تبعیت تولیدکننده بهینه باشد:

$$\psi \cdot \geq \left. \frac{\partial f}{\partial h} \right|_{h^*} = h. \quad (۸)$$

h^* مقدار بهینه‌ی انتخاب شده توسط تولیدکننده و h سطح مجاز اثر جانبی (منفی) می‌باشد، این پیامد در شکل ۳ نشان داده شده است. وقتی هزینه‌ی اثر جانبی برابر ψ می‌باشد، تولیدکننده، متقاضی اثر جانبی (h) در حدی فراتر از حد مجاز تعیین شده توسط قوانین نخواهد بود.



شکل ۳- فساد با دزدی (آتی)

با حداکثر کردن سود، تولیدکنندگان اثر جانبی بیش‌تری را در قیمت‌های پائین‌تر درخواست خواهند کرد. بوروکرات‌های فاسد می‌توانند مجوزهای اضافی برای آثار جانبی را در قیمت‌های پائین‌تر (B_0) بفروشند که دقیقاً همان نرخ رشوه است.^۱ معمولاً مقررات دولتی که توسط هر سازمان تحمیل می‌شود، به ماهیت مقررات بستگی دارد. بوروکراسی به عنوان یک انحصارگر مجوزهای آثار جانبی اضافی، در مقداری که درآمد نهایی و هزینه‌ی نهایی‌شان یکسان شود، عرضه می‌کنند. در این صورت تقاضای مؤثر برای اثر جانبی اضافی توسط تولیدکنندگان درست بعد از نقطه‌ی

1- Dzhumashev (2008).

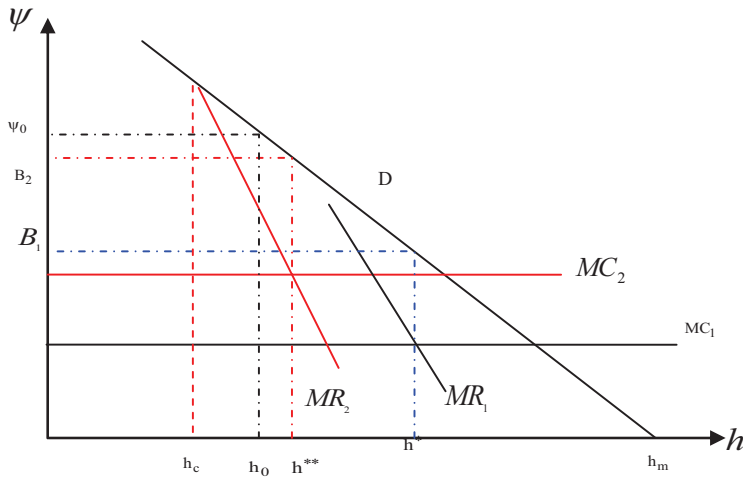
h . شروع می‌شود، بنابراین منحنی درآمد نهایی تنها در قسمت راست h مؤثر و کارا است.

بوروکرات‌ها برای صدور مجوز با برخی هزینه‌ها مواجهند. این نوع هزینه، می‌تواند در کل غیرخطی باشد، همان‌طور که در شکل (۳) نشان داده شده است. این هزینه برابر است با:

$$c_b = \gamma \cdot (h - h_c) \quad (9)$$

که در آن γ یک پارامتر هزینه‌ای است. بوروکرات‌ها با تابع هزینه داده شده، رشوه‌های خالص خود را با هزینه‌ی نهایی زیر حداکثر می‌کنند.

$$mc_1 = c'_b(h) = \gamma.$$



شکل ۴- ترکیب فساد با دزدی و بدون دزدی

تعادل همراه با فساد، منجر به اثر جانبی اضافی بالاتری برابر با $h^* > h$ می‌شود که در شکل ۳ نشان داده شده است. از آنجایی که فقط آن‌هایی که از مقررات سرپیچی می‌کنند مجبور به پرداخت رشوه هستند، بوروکرات‌های فاسد علاقمندند به حضور بیشتر متخلفان، در میان تولید کنندگان باشند. یک روش ساده این است که با کاهش سطح مجاز آثار جانبی، قوانین را سخت‌تر کرد، که در این شرایط، همان کاهش سقف مجاز برای آثار جانبی از h_c به h است. کاربرد چنین فسادی در شکل ۴ نشان داده شده است. در ساده‌ترین شکل، هزینه‌ای که بوروکرات‌ها با آن مواجهند می‌تواند دو

نوع باشد. نوع اول، هزینه‌های مربوط به گرفتن رشوه است که این هزینه‌ها به نوبه‌ی خود وابسته به میزان آثار جانبی می‌باشد.

در حالی که نوع دوم این هزینه‌ها می‌باید با رفتار غیر متعارف بوروکرات‌ها مرتبط باشد^۱. براساس این منطق فرض می‌شود که هزینه‌ی بوروکرات‌های فاسد به صورت است:

$$c_b = [\gamma + \lambda(h - h_c)(h - h_c)] \quad (10)$$

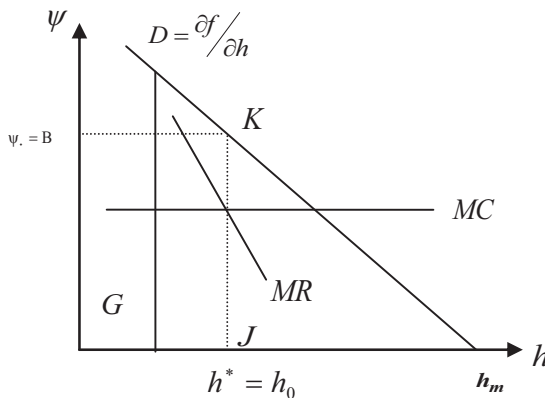
هزینه‌ی نهایی برابر است با:

$$mc_\gamma = c'_b(h) = \gamma + \lambda(h - h_c) \quad (11)$$

هزینه‌ی نهایی بوروکرات‌های فاسد در این شرایط بزرگ‌تر است

$$mc_\gamma > mc_\gamma = \gamma.$$

سطح آثار جانبی تعادلی پائین‌تر و برابر h^{**} می‌باشد، به طوری که $h^* < h^{**} \leq h$ ، است. همچنین رشوه‌های سنگین‌تری نسبت به حالت بدون اختلال پرداخت می‌شود. ($B_1 > B$). نتایج تحلیل در شکل ۴ نشان داده شده است. بر اساس منطق این مدل، می‌توان فهمید که امکان دارد میزان رشوه برابر با هزینه‌ی رسمی سرپیچی ($B = \psi$) و مجوز اثر جانبی تعادلی برابر با میزان رسماً مجاز باشد ($h^* = h$).



شکل ۵- فساد گزاف (غاصبانه)

هر چند این میزان اثر جانبی مجاز، همانند حالت فساد بدون دزدی رایگان حاصل نمی‌شود، اما به نسبت شامل یک بار ارتشای مأموران فاسد می‌باشد. بار فساد در این جا هزینه رشوه‌های اندازه‌گیری شده‌ی ناحیه‌ی GLKJ است. بوروکرات‌های فاسد دریافتی رشوه را با هزینه‌ای که برای فساد بودن باید پردازند، مقایسه کرده و سپس به دریافت رشوه می‌پردازند. همان‌طور که قبلاً فرض شده است، اخذی بیش‌تر با دریافت بیش‌تر از سطح قانونی h انجام می‌گیرد. اگرچه دریافت بیش از حد قانونی، هزینه‌ی بالاتر فساد بودن است، بنابراین مأموران فاسد باید رشوه‌های دریافتی (R) را بر حسب هزینه‌های احتمالی حداکثر کنند:

$$\max_{h_c} R = \int_{h_c}^h (B - AC)dh \quad \text{s.t. : } MR = MC \quad (12)$$

که B ، نرخ رشوه و AC هزینه متوسط فروش مجوز، برای یک واحد اثر جانبی، h ، سطح یا حد قانونی برای اثر جانبی و h_c حد پائین‌تری است که توسط بوروکرات‌های فاسد وضع می‌شود. به‌طور کلی فساد، وضع جامعه را بدتر می‌کند، بنابراین فساد، هزینه‌ی بار مقررات را برای کارگزاران بخش خصوصی می‌افزاید. چنان‌که کارکنان فاسد بخش عمومی بخواهند براساس روابط فوق درآمد غیر مجازشان را حداکثر کنند، هزینه‌ی خدمات عمومی افزایش می‌یابد. این فرایند و رابطه‌ی مستقیم فساد و هزینه‌ی تولید بیش‌تر به صورت خودافزا ادامه خواهد یافت. در همین حال بوروکراسی فاسد مرتباً موانع و کاغذ بازی بیش‌تری را دایر و هزینه‌ی مقررات را سنگین‌تر خواهد کرد.

۴-۳ - عواقب رفاهی

براساس مدل فوق چنان‌چه محدودیتی در ایجاد اثر جانبی منفی و جود نداشته باشد، تولیدکننده به اندازه‌ی h_m بدون هزینه‌ی اثر جانبی تولید می‌کند. مقررات به او اجازه می‌دهد که با هزینه‌ی صفر برابر h ، اثر جانبی منفی ایجاد کند. چنان‌چه تولیدکننده مشارکت خود را در کیفیت محیط زیست نادیده بگیرد، اثر مقررات برابر محصول از دست رفته می‌باشد. در صورت عدم وجود فساد تفاوت محصول T در حالت وجود و عدم وجود قوانین به شکل ذیل معرفی می‌شود.

$$T = f(\bullet, h_m) - f(\bullet, h) \quad (13)$$

هم‌چنین مطلوبیت کارگزار وابسته به کیفیت محیط زیست است و به‌علت وجود مقررات کیفیت محیط زیست به اندازه‌ی $e(h_0) - e(h_m)$ ، در شرایطی که $e(h_0) > e(h_m)$ می‌تواند بهبود یافته باشد، بنابراین در اثر وضع مقررات، ممکن است مطلوبیت اضافه و یا کاهش یافته باشد. از یک دولت خیر خواه انتظار می‌رود مقررات را طوری وضع کند که رفاه جامعه افزایش یابد. حال در صورت وجود فساد در جامعه، کارگزار مجبور می‌شود هزینه‌ی آنرا نیز پرداخت کند. تابع هزینه‌ی مقررات به‌شرح زیر خواهد بود:

$$T_c = [f(\cdot, h_m) - f(\bar{l}, g_c, h^*)] + B(h^* - h_c) + (p_c - \bar{p})g_c \quad (۱۴)$$

در رابطه‌ی بالا آخرین عضو، میزان رشوه و هزینه‌ی مازادی است که برای نهاده‌ی بخش عمومی باید پرداخت شود. اگر شرط $h^* = h_0$ برقرار شود، بار مقرراتی روی کارگزار در شرایط با فساد به طور حتم بیش‌تر خواهد شد.

$$T_c > T_0$$

در چنین شرایطی می‌توان ادعا کرد که اثر کلی فساد، کاهش رفاه باشد که در دو حالت زیر مقایسه می‌شود:

$U_a[f(\bar{l}, \bar{g}, h_0), e(h_0)] > U_a[f(\bar{l}, g_c, h_0) - B(h_0 - h_c) - (p_c - \bar{p})g_c, e(h_0)]$
در قبل برای شکلی خاص از تابع هزینه نشان داده شد که مقدار تعادلی اثر خارجی بیش‌تر از مقدار قانونی $h_0 > h^*$ است اما در همین حال نهاده‌ی بخش عمومی در حالت وجود فساد کاهش می‌یابد $g_c < \bar{g}$ و به‌دنبال آن بار مقررات نیز سنگین‌تر از حالت قانونی خواهد شد، به بیان دیگر به محض این‌که شرایط زیر برقرار شود، هزینه‌ی حالت فساد نیز بیش‌تر از شرایط بدون آن می‌شود، $T_c > T_0$

$$f(\bar{l}, \bar{g}, h_0) > f(\bar{l}, g_c, h^*) - B(h^* - h_c) - (p_c - \bar{p})g_c \quad (۱۵)$$

از قبل نیز داشتیم هرگاه $h^* > h_0$ باشد بدین مفهوم است که $e(h^*) < e(h_0)$ می‌باشد. بنابراین در شرایط فساد کارگزار بخش خصوصی هم بخشی از درآمدش را از دست می‌دهد و هم در محیط ناسالم‌تری زندگی خواهد کرد. این بدترین پی‌آمد فساد می‌باشد که کارگزار بخش خصوصی برای دریافت نهاد عمومی هم هزینه‌ی بالاتری بپردازد و هم اثر جانبی نامطلوبی بیش از حد بهینه دریافت کند. هم‌چنین بوروکرات در جریان دریافت رشوه باید هزینه‌هایی را متحمل شود که معادل C_b می‌باشد. در کل این فساد حاکم در جامعه به کاهش رفاه عمومی ختم خواهد شد.

از دیگر پی آمدها استدلال فوق، بسط بحث محیط زیست به سایر بخش‌هاست. فرضاً چنانچه مفهوم محیط به ایمنی و حمایت از حق مالکیت معنوی نیز تسری داده شود، لذا افزایش سطح اثرات جانبی ممکن است به کارائی فرایند تولید نیز صدمه وارد کند. مورد مثال تأثیر مأمور فاسد راهنمائی و رانندگی در ایجاد تصادفات بوده است، بنابراین افزایش اثر جانبی منفی در اثر وجود فساد ممکن است به تخریب قوی‌تر محیط زیست کمک کند و منافع شخصی ناشی از عدم رعایت مقررات، ممکن است با اثر جانبی منفی ناشی از اعمال دیگران خنثی شود. این منطق را می‌توان قدری عمومی کرده و اظهار داشت چنانچه دولت در نقش سازمان دهنده و هماهنگ کننده، خود دچار مشکل شود، عاملان بخش خصوصی خود را در محیط نااطمینانی و همراه با مقداری زیاد آثار جانبی منفی احساس خواهند کرد. و پی آمد چنین وضعیتی افزایش هزینه‌های تولید، ایمنی، حفظ حق مالکیت معنوی می‌باشد و در نتیجه کارگزاران، تولید کم‌تری را از هر واحد مواد اولیه به‌دست خواهند آورد. بنابراین می‌توان نتایج ذیل را از تحلیل‌های فوق به‌دست آورد:

۱. فساد روی عوامل اقتصادی به‌طور مستقیم اعمال فشار خواهد کرد.

۱.۱. از شرط حداکثر کردن درآمد بورکرات فاسد می‌توان نتیجه گرفت که $p_c > p$ می‌باشد، بدین مفهوم که هزینه نهادهای عمومی با فساد بیش‌تر است تا درحالت بدون آن.

۱.۲. به علت وضع خطوط قرمز بیش‌تر توسط بورکرات‌های فاسد، هزینه‌ی تبعیت

از مقررات در شرایط فساد بیش‌تر است تا در حالت بدون آن. $T_c \geq T_0$

۲. فساد، عدم کارائی ایجاد می‌کند و به درآمد کم‌تر، فقر کیفیت محیط زیست و کاهش رفاه عمومی منتهی می‌شود.

طبق روش متعارف بار مقرراتی برابر است با نسبت هزینه‌ی بار به درآمد کل، که در غیاب اختلال ناشی از فرار مالیاتی و فساد به شکل زیر نشان داده می‌شود:

$$\tau = \frac{T_0}{Y}$$

τ در رابطه‌ی فوق معادل نرخ مالیات قانونی است. در صورت وجود فرار مالیاتی و

فساد، با همان استدلال فوق هزینه‌ی نسبی بار مالیاتی برابر است با:

$$\tau_e = \frac{T_c}{Y}$$

در این صورت نرخ مالیات قانونی با فساد τ_e و بی‌فساد τ با هم تفاوت خواهد

داشت. هرگاه $T_c \geq T_0$ باشد، $\tau_e \geq \tau$ نیز برقرار می‌شود. این نتیجه‌گیری نشان

می‌دهد که فساد، بار مؤثر بخش عمومی را تغییر می‌دهد، بنابراین هر چه فساد گسترده‌تر باشد، نه تنها رعایت مقررات کم‌تر می‌شود، بلکه رعایت مقررات را مشکل‌تر می‌نماید. بدین ترتیب بار عمومی مقررات سنگین‌تر می‌شود. در یک جمع‌بندی کلی می‌توان ادعا کرد که "بار مقرراتی بخش عمومی با افزایش فساد در جامعه" افزایش می‌یابد. در بخش بعدی این فرضیه را در بوته‌ی آزمایش قرار داده تا تأیید و یا رد آن مشخص شود.

۳- فرضیه‌ها

بر اساس مدل تئوریکی ارائه شده تاکنون دو فرضیه‌ی زیر برای آزمون، بیان می‌شود.
 H_1 : میزان فساد به کیفیت مؤسسات عمومی وابسته است.
 H_2 : بار مقرراتی در اقتصاد به طور مثبت به میزان فساد مرتبط است.
 فرضیه‌ی اول، فرض مدل تئوریکی مبنی بر ارتباط بین میزان فساد (CP) با کیفیت نهادها^۱ (Q.P.I) را نشان می‌دهد.
 مدل تجربی که این ارتباط را بیان می‌کند:

$$CP_i = \alpha + \beta Z + \varepsilon_i \quad (16)$$

CP_i معیار سطح فساد، Z برداری از معیارهای کیفیت حکمرانی است و ε_{it} جمله‌ی اختلال می‌باشد. عوامل مؤثر در کیفیت حکمرانی عواملی هستند که هزینه‌ی استفاده از خدمات را برای کارگزاران بخش خصوصی که متقاضی خدمات بخش عمومی هستند پائین می‌آورند.

فرضیه‌ی دوم بر اساس این ایده قرار دارد که فساد بار مؤثر بخش عمومی را تغییر می‌دهد. با مقایسه‌ی (۱۰) و رابطه‌ی (۱۱) خواهیم داشت:

$$T_c = \left[f(\cdot, h_m) - f(\bar{l}, g_c, h^*) \right] + B(h^* - h_c) + (p_c - \bar{p})g_c \quad (17)$$

$$T_c = f(\cdot, h_m) - f(\cdot, h_c)q \quad (18)$$

بنابراین فساد می‌تواند با ارزش پارامترهای نرخ رشوه، آستانه‌ی آثار جانبی و قیمت نهاده‌ی عمومی را مشخص کند. تابع بار مؤثر بخش عمومی به شکل زیر نمایش داده شود:

$$T_c = f(Y, \tau, CP) \quad (19)$$

که در آن Y درآمد کل و τ بار مقرری بخش عمومی است. به عبارت دیگر به ازای مقادیر ثابت درآمد کل و پارامترهای مقرراتی، بسته به سطوح مختلف فساد، بار مؤثر بخش عمومی نیز متغیر است. برای آزمودن فرضیه‌ی دوم بر اساس معادله‌ی فوق، مدل تجربی خود را به صورت زیر می‌نویسیم:

$$\text{burden}_i = \alpha + \beta CP_i + bX + \varepsilon_i \quad (20)$$

که در آن burden_i معیاری برای بار مقرراتی برای هر کشور در زمان معین، α عرض از مبدأ β ضریب معیار ادراک فساد CP_i و X برداری از دیگر متغیرهایی است که ممکن است در مدل وجود داشته باشند. هم‌چنین ε_i جمله‌ی اختلال یا پسماند است. لازم به یادآوری است که حجم بار قانونی مقررات بر اساس قوانین موضوعه مشخص نیست. اما می‌توان ادعا کرد که فساد به تغییر بار مؤثر، یا قابل مشاهده شده‌ی بخش عمومی، منجر می‌شود، این مطلب در بخش نظری مفصلاً مورد بحث قرار گرفته است.

۴-۴- تشریح داده‌ها

مجموعه داده‌های به کار گرفته شده برای تحلیل تجربی، به منظور یافتن وابستگی بین فساد و بار مقرراتی، شامل داده‌های مقطع - سری زمانی (یک دوره‌ی ۵ ساله) برای کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه‌ی اقتصادی^۱ می‌باشد. این داده‌ها عبارتند از: معیار فساد، معیارهای کیفیت نهادی یا حکمرانی و معیارهای بار مقرراتی^۲.

۴-۴-۱- معیار فساد

میزان فساد با استفاده از شاخص درک فساد (CP) که توسط سازمان بین‌المللی شفاف‌سازی^۳ ارائه شده، اندازه‌گیری می‌شود. ارزش‌های این شاخص در دامنه‌ی (۰ و ۱۰) تعیین شده، و ارزش بالاتر نشان دهنده‌ی فساد کم‌تر، شفافیت بیش‌تر و سلامت اداری بالاتر است^۴.

1- OECD.

2- Dzhumashev (2008).

3- Transparency International Org.

4- Kaufmann et al, (2004).

۴-۴-۲- حکمرانی

کیفیت نهادها با مجموعه‌ی داده‌ها و شاخص‌های حکمرانی منتشر شده توسط بانک جهانی سنجیده می‌شود که از آن جمله می‌توان به شاخص‌هایی مانند: اثربخشی دولت $GE \in (-2, 2.5)$ ، قانون‌گرایی $ROL \in (-2, 2.5)$ ، کیفیت مقررات $REG \in (-2, 2.5)$ ، معیار پاسخ‌گویی $VA \in (-2, 2)$ و ثبات سیاسی $PS \in (-3, 2.5)$ اشاره کرد. این‌ها عواملی هستند که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر هزینه‌های استفاده از خدمات بخش عمومی اثر گذارند.

۴-۴-۳- بار مقرراتی

معیارهای هزینه عبارتند از: هزینه‌ی شروع یک شغل (بر حسب روز)، هزینه‌ی کسب مجوزها (روز)، هزینه‌ی ثبت املاک و اموال (روز)، هزینه‌ی پرداخت مالیات (روز) و هزینه‌ی عملیات صادرات (روز). معمولاً مجموع همه‌ی این هزینه‌های زمانی به عنوان معیار بار مقرراتی استفاده می‌شود (RTCOST). شاخص کلی رتبه‌بندی سهولت انجام تجارت توسط بانک جهانی^۱ ساخته می‌شود. سهولت درجه‌ی انجام فعالیت، بار کلی مقررات روی تجارتها را اندازه‌گیری می‌کند. (DB) هر چه بار مقرراتی آسان‌تر باشد، رتبه بالاتر است.^۲

۵- برآورد الگو و تحلیل نتایج

آماره‌ی F معنی‌داری کل رگرسیون را تأیید می‌کند و ضریب تعیین نشان‌دهنده‌ی برازش مناسب مدل می‌باشد. به طوری که حدود ۹۰٪ تغییرات شاخص ادراک فساد توسط شاخص‌های حکمرانی توضیح داده می‌شود. شاخص‌های ثبات سیاسی و اثر بخشی دولت که در سطح معنی‌داری ۹۰٪ قرار دارند، اثر منفی بر میزان شفاف‌سازی و سلامت اداری داشته‌اند. معیار قانون‌گرایی که در سطح معنی‌داری ۹۹٪ تأثیر مثبتی بر میزان شفافیت دارد. به طور کلی کیفیت سازمان‌های دولتی تأثیر مثبتی بر میزان سلامت اداری در این کشورها نداشته و فرصت‌های محتمل بسیاری برای وقوع فساد رقم زده‌اند.

1 - World Bank

2 - Dzhumashev (2008).

جدول ۱- نتایج تخمین معادله‌ی فساد، مدل پانل، به کمک نرم‌افزار Eviews 5

متغیر	ضریب	آماره‌ی t
عرض از مبدأ	۲۶۹/۳۱	۳/۵۱
اظهار نظر و پاسخ‌گویی	-۰/۵۴	-۰/۹۲
ثبات سیاسی	-۰/۵۴	-۱/۷۱
اثربخشی دولت	-۱/۲۶	-۱/۸۳
کیفیت مقرراتی	-۱/۷۱	-۲/۶۶
قانون‌گرایی	۱/۸۷	۴/۰۸
ضریب تعیین	۰/۹۰	
ضریب تعیین تعدیلی	۰/۸۵	
آماره‌ی F	۱۸/۷۶ (۰/۰۰۰)	
تعداد مقاطع	۲۲	
نمونه‌ی مورد بررسی	۲۰۰۴-۲۰۰۷	

a: سطح معنی داری نهایی ۰/۹۹، b: ۰/۹۵، c: ۰/۹۰، d: بی‌معنی مأخذ: محاسبات تحقیق

حال مدل اصلی برآورد می‌شود. در این مدل شاخص ادراک فساد و متغیر درآمد ملی سرانه‌ی کشورها به عنوان متغیر مستقل وارد می‌شوند.

جدول ۲- نتایج تخمین معادله‌ی فساد، مدل پانل، به کمک نرم‌افزار EviewS

متغیر	ضریب		آماره‌ی t
عرض از مبدأ	-۷۰/۵۶	۵/۰۲	B
درآمد ملی سرانه	۰/۰۰۱۱	۳/۰۶	A
شاخص ادراک فساد	۰/۷۰	۲/۲۲۶۵	B
ضریب تعیین	۰/۹۳		
ضریب تعیین تعدیلی	۰/۹۱		
آماره‌ی F	۳۸/۵۰ (۰/۰۰۰)		
تعداد مقاطع	۲۲		
نمونه‌ی مورد بررسی	۲۰۰۴-۲۰۰۷		

a: سطح معنی داری نهایی ۰/۹۹، b: ۰/۹۵، c: ۰/۹۰، d: بی‌معنی مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به ضریب تعیین مدل متوجه می‌شویم که بیش از ۹۱٪ از تغییرات متغیر وابسته‌ی شاخص راه‌اندازی کسب و کار، توسط متغیرهای مستقل توضیح داده شده‌اند،

آماره‌ی F نشان دهنده‌ی برآزش خوب کل رگرسیون می‌باشد. هم‌چنین تمامی متغیرهای در سطح معنی‌داری بالایی قرار دارند. نتایج نشان از تأثیر مثبت سلامت اداری و درآمد بر بهبود شاخص راه‌اندازی کسب و کار در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی دارند، به طوری که یک واحد افزایش در شاخص ادراک فساد و بهبود سلامت اداری، $0/7$ واحد شاخص انجام شغل و تجارت را بهبود می‌بخشد و به عبارتی بار مقرراتی را کاهش می‌دهد. هم‌چنین یک درصد افزایش در درآمد ملی سرانه‌ی، $0/11$ ٪ شاخص را بهبود می‌بخشد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله نشان داده شد که ممکن است افزایش فساد، بار حاکم بر بخش خصوصی و کاهش رفاه کلی را نتیجه دهد. نتیجه‌گیری کلی این است که فساد به طور مؤثر موانع زاید را کاهش نمی‌دهد، بنابراین در محیط با فساد بیش‌تر هزینه‌ی تشریفات اداری یا بار مقرراتی مؤثر نیز بالاتر است. بوروکراسی فاسد بار بالاتری را از طریق افزایش موانع اداری و عرضه‌ی کم‌تر نهاده‌های عمومی تولیدکنندگان بخش خصوصی تحمیل می‌کند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هم‌بستگی قوی میان سطح فساد و میزان حکمرانی یا کیفیت مؤسسات دولتی وجود دارد و سطح فساد با بار مقرراتی به طور مستقیم وابسته است. در پایان می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱-۶- افزایش شفافیت و پاسخ‌گویی به مردم توسط بخش عمومی، به عنوان یک ضرورت برای کنترل فساد است. در همین حال اصلاح اساسی مقررات دست و پاگیر و کاهش زمان ارائه‌ی کالاهای عمومی به کاهش بار مقررات کمک خواهد کرد.

۲-۶- ثبات سیاسی در هر کشور می‌تواند به افزایش کیفیت مؤسسات و بهبود شاخص راه‌اندازی کسب و کار، و در نتیجه به کاهش بار مقرراتی و مبارز با فساد کمک کند.

۳-۶- افزایش قانون‌گرایی، با اتخاذ راهکاری مناسب برای کاهش فساد در سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌تواند در حمایت از بخش خصوصی مؤثر واقع شود.

فهرست منابع

- ۱ - ذاکری، مصطفی، (۱۳۸۴) "فساد اداری و تأثیر آن بر روند توسعه در ایران"، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، مطالعات ایران و سیاست‌گذاری عمومی، حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
- ۲ - قضاوی، حسین (۱۳۸۴) "نگاهی به شاخص‌های سنجش مبارزه با فساد"، مجله‌ی اقتصادی، سال پنجم، شماره‌های ۵۱ و ۵۲.
- ۳ - رهبر فرهاد، فضل‌الله میرزاوند، غلامرضا زال پور (۱۳۸۱) "بازشناسی عارضه‌ی فساد مالی"، انتشارات وزارت امور خارجه.
- 4- Bardhan, Pranab, 1997, "Corruption and Development", *Journal of Economic Literature*, Vol. 35, No. 3, pp. 1320–46.
- 5- Barro, Robert J., 1990, "Government Spending in a Simple Model of Endogenous Growth," *Journal of Political Economy*, Vol. 98, No. 5, part 2, pp. S103–S125.
- 6- Dzhumashev, Ratbek, 2008. "Corruption and regulatory burden," MPRA Paper 2081, Uni. Library of Munich, Germany.
- 7- Guriev, S. (2004). "Red tape and corruption.", *Journal of Development Economics* 73, 489-504.
- 8- Jae-Hyung Lee, 2006. "Business corruption, public sector corruption, and growth rate: time series analysis using Korean data," *Applied Economics Letters*, Taylor and Francis Journals, vol. 13(13), pages 881-885, October.
- 9- Keefer, P., S. Knack (2002). "Rent-seeking and Policy Distortions when Property Rights are Insecure", No.2910. World Bank.
- 10- Kaufmann, D., A. Kraay, and M. Mastruzzi. (2004). "Measuring Governance Using Cross-Country Perceptions Data." Washington DC.: World Bank.
- 11- Kurer, O. (1993). "Clientalism, corruption and the allocation of resources.", *Public Choice* 77 (2), 259-273.
- 12- Leff, N. (1964). "Economic development through bureaucratic corruption.", *American Behavioral Scientist* 8 (3), 8-14.
- 13- Mauro, Paolo, 1995, "Corruption and Growth," *Quarterly Journal of Economics*, Vol. 110, No. 3, pp. 681–712.
- 14- Ng, Y.K.(2000). Efficiency, equality and public policy: With a case for higher public spending. New York, London: St. Martin's Press; Macmillan Press.

- 15- Shleifer, A. , Vishny, R. (1993), "Corruption", *Quarterly Journal of Economics*, 108(3), 599-617.
- 16- Worldwide Governance Indicators: 1996-2005, <http://info.worldbank.org/governance/kkz2005/tables.asp>.
- 17- The IFC of the WB, <http://www.doingbusiness.org/>;
- 18- World Development Indicators 2006, <http://econ.worldbank.org>.
- 19- Transparency International, <http://www.transparency.org/policyresearch/surveysindic.4>.